

پرونده شماره ب - ۲۱

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۲۱ - ب - ۱۷۳

B 21 - 32

گمرک ایران ،

خواهان ،

- و -

ایالات متحده آمریکا ،

خوانده .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	17 APR 1985 تاریخ
	۱۳۶۴ / ۱ / ۲۸
No.	B 21 شماره

حکم

یک - واقعیات و اظهارات

در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۵ دیماه ۱۳۶۰) گمرک ایران دادخواستی علیه ایالات متحده ثبت نمود و خواستار صدور حکمی به مبلغ ۵۰،۷۴۸،۶۱۸ ریال بابت قصور ادعائی خواننده در انجام تعهدات خود نسبت به ورود موقت پاره‌ای کالاها گردید. به دادخواست مزبور، فهرست اجناس مورد بحث و کپی ضمانتنامه‌های صادره توسط سفارت ایالات متحده در تهران پیوست شده بود. سفارت آمریکا بموجب آن ضمانتنامه‌ها تعهد نموده بود که چنانچه کالاهای مذکور ظرف مدت مقرر مجدداً "برگشت داده نشود، آئین نامه مربوط گمرکی را رعایت نماید". خواهان همچنین هزینه‌های داوری خود را مطالبه کرده است.

در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۸۲ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۱) ایالات متحده عرضحالی "جهت صدور دستور ارائه مدارک" به ثبت رساند. ایالات متحده اظهار داشت که مدارک مربوط به معاملات مورد بحث قبل از اشغال سفارت در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸) در سفارت آمریکا در تهران نگاهداری می‌شد، و تقاضا کرده ایران دستور داده شود که آن اسناد را در اختیار گذارد.

خواهان، پس از آنکه از وی دعوت شد به عرضحال مذکور در فوق پاسخ دهد، در لایحه‌ای که در ۲۷ اوت ۱۹۸۲ (۱۰ شهریور ماه ۱۳۶۱) ثبت نمود به این امر اعتراض کرد و از جمله اشعار داشت که "هرگونه ادعائی در مورد دخالت یا تصرف اسناد و مدارک ادعائی بوسیله دولت جمهوری اسلامی ایران مردود است".

در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۲۴ آبان ماه ۱۳۶۱) ایالات متحده "دفاعیه خود و درخواست رد ادعا بدلیل عدم صلاحیت" را به ثبت رساند. در همان تاریخ، ایالات متحده "پاسخ خود به جوابیه مربوط به درخواست ارائه مدارک" را ثبت نمود. خواننده، ضمن تکرار درخواست خود جهت ارائه مدارک مربوطه، ادعا کرد که در هر صورت دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعا را ندارد. ایالات متحده استدلال کرد که ادعا در حیطه صلاحیت دیوان قرار نمی‌گیرد، زیرا با اینکه "ادعای رسمی" یک دولت علیه دولت دیگر است، لکن، ادعائی نیست که "از ترتیبات قراردادی فیما بین بمنظور خرید و فروش کالاها

و خدمات "بمفهوم بند ۲ ماده دو بیا نیه حل و فصل دعاوی ناشی شده باشد و صرفاً "یکد اختلاف گمرکی است . خواننده درخواست کرد که به مدافعات وی در مورد صلاحیت بعنوان یک موضوع مقدماتی رسیدگی و ادعا به دلیل عدم صلاحیت مردود شناخته شود .

ایالات متحده اصل دعوی را نیز انکار کرده است . ایالات متحده ادعا ن دارد که گهگاه کالاهای معینی بمنظور نمایش در مرکز بازرگانی ایالات متحده و در غرفه ایالات متحده در محل نمایشگاه بین المللی بطور موقت وارد و ضمناً متناهی مشابه با ضمانتنامه های پیوسته دادخواست در این موارد ، صادر می گردید ولی خواننده به دلیل فقدان اسناد مربوطه ، منکر ورود اجناس خاص و صدور ضمانتنامه های خاص مورد بحث گردید . مضافاً " خواننده منکر آنست که شروط ضمانتنامه ها برای وی تعهدی جهت پرداخت حقوق و عوارض گمرکی ایجاد می کرده است . ایالات متحده نیز هزینه های داوری خود را مطالبه کرده است .

در تاریخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۳ (دوم اسفند ماه ۱۳۶۱) خواهان پاسخی به ثبت رسانده و اظهارات خواننده را چه در مورد صلاحیت و چه از سایر جهات مردود شناخت و از جمله اشعار داشت که "ایراد خواننده بر اساس بند ۲ ماده دو بیا نیه حل و فصل دعاوی نادرست است " زیرا که "... را بطنه تعهد آوری بین گمرک و سفارت ایالات متحده وجود داشته و در نتیجه عدم اعاده کالاهای مذکور ، (خواننده) ملزم بوده است حقوق گمرکی آنها را بپردازد ."

دیوان داوری طی دستور مورخ ۴ فوریه ۱۹۸۳ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۱) خود اشعار داشت که بعد از ثبت جواب فوق الذکر "دیوان در نظر دارد ... بر اساس اسناد مدارک تسلیمی طرفین در موضوع صلاحیت مطروح توسط خواننده اتخاذ تصمیم نماید ."

دو - دلایل صدور حکم

ظاهراً "تعهداتی که خواننده حسب ادعا نقض کرده است ، به ورود پاره ای وسایل به منظور نمایش در مرکز بازرگانی ایالات متحده در تهران مربوط می شود ، کالاهای

که حسب اظهار و وارد گردیده برای مدت معینی وارد شده و از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معاف بوده است ، لکن سفارت ایالات متحده بموجب ضمانتنامه های صادره به عنوان گمرک مهرآباد متعهد شده بود ظرف همان مدت مقرر کالاها را مجدداً " صادر نماید . در ضمانتنامه های مربوط که پیوست دادخواست آمده است که :

این سفارت تعهد می نماید که چنانچه کالای فوق الذکر تا پایان مدت مزبور از کشور خارج نشود ، طبق آئین نامه گمرک ایران عمل نماید .

بحثی نیست که پرونده حاضر به ادعای مربوط می شود که یک سازمان وابسته به دولت طرف دعوی ، علیه دولت دیگر طرح کرده است . چنانکه روشن است پرونده متضمن اختلاف تفسیری پیش بینی شده در بند ۳ ماده دو یا بند ۴ ماده شش بیانیه حل و فصل دعوی نمی باشد و بنا بر این تنها مبنای احتمالی دیگر از جهت صلاحیت رسیدگی به ادعا بند ۲ ماده دو همان بیانیه است ، مبنی بر اینکه :

" هیئت داوران همچنین درباره ادعاهای رسمی ایالات متحده و ایران علیه یکدیگر ناشی از قراردادهای فیما بین در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات صلاحیت داوران خواهد داشت " .

سوالی که مطرح می شود اینست که آیا ادعای حاضر از یک چنین " ترتیبات قراردادی " بین دو دولت ناشی می شود یا خیر . دیوان باید در رسیدگی به این موضوع ، بند نقل شده را " طبق مفهوم عادی قابل اطلاق به عبارات معاهدات در مضمون خود آنها " ، تفسیر نماید . بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون وین درباره قانون معاهدات ، سند شماره ۳۹/۲۷ مورخ ۲۳ مه ۱۹۶۹ سازمان ملل U.N. Doc. A/CONF 39/27,23 May 1969 که عیناً " در (1969) 8 I.L.M. 679 درج شده است .

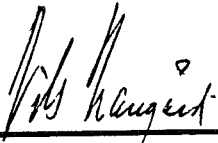
هرگونه مسئولیت پرداخت عوارض گمرکی مورد بحث ناشی از یک قرارداد نبوده ، بلکه از مقررات گمرکی ایران ناشی می شود . هر چند می توان استدلال کرد که سفارت ایالات متحده از طریق ضمانتنامه های که صادر می نموده جهت تضمین اجرای مقررات گمرکی

ترتیبات قراردادی منعقد می‌کرده است، اما بهر صورت نمی‌توان این ترتیبات را قراردادهائی "جهت خرید و فروش اجناس و خدمات" محسوب کرد. سفارت آمریکا با صدور ضمانتنامه‌ها، خرید و فروش اجناس یا خدمات را تعهد نکرده بلکه اطمینان داده که در صورت عدم صدور مجدد آنها حقوق گمرکی کالاها پرداخت خواهد شد. چنین تعهداتی بمفهوم عادی عبارت "ترتیبات قراردادی جهت خرید و فروش اجناس یا خدمات" محسوب نمی‌شوند. این نکته که عبارت یاد شده در بند ۲ ماده دو (یعنی "ترتیبات قراردادی") در مفهوم عادی خود بکار رفته و مفهوم "قرارداد" را بطور موسع تعریف نمی‌کند، از مابقیه با مفاد بند ۱ همان ماده روشن می‌گردد. در ابتدا خیر (یعنی بند ۱) کلماتی مانند "دیون، قراردادهای... یا سایر اقدامات موثر در حقوق مالکیت" مبین گسترده‌تر بودن مبانی طرح دعوی توسط یک تبعه ایرانی یا ایالات متحده بوده و بدین ترتیب، بر محدودیت دامنه شمول "ادعاهای رسمی" مبتنی بر "ترتیبات قراردادی" به موجب بند ۲ تاکید کرده‌اند. بنا بر این دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعای موضوع این پرونده از حیطه صلاحیت وی خارج است. (۱)

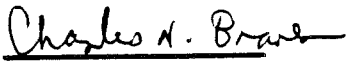
سه - حکم

به دلایل پیش گفته دیوان داوری بشرح زیر حکم صادر می‌نماید:
ادعای گمرک ایران بدلیل عدم صلاحیت مردود شناخته می‌شود.
هریک از طرفین مسئول پرداخت هزینه‌های داوری خود می‌باشد.

لاسه، بتاريخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۵ برابر با ۲۸ فروردین ماه ۱۳۶۴


نیلی منگارد
رئیس شعبه سه

بنام خدا
الهی
پرویز انصاری معین
مخالف


چارلز ان براشر

(۱) دیوان داوری قبلاً در پرونده دیگری که بین همین اصحاب دعوی مطرح بوده همین نتیجه رسیده است. رجوع شود به پرونده گمرک ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۱۶-۱-ب-۱۰۵ مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۸۴ (۴ بهمن ماه ۱۳۶۲)